

مقاله پژوهشی

## تأثیر انعطاف پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه و توانایی مدیریت بر عملکرد شرکتها

Doi: 10.30508/kdip.2024.477624.1111

زهرة سلطانیان<sup>۱</sup>

۱- مربی گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی عطار، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

صفحه: ۵۱ - ۴۴

### چکیده

در دنیای رقابتی امروز، عملکرد مالی شرکتها به عوامل مختلفی وابسته است که بر تصمیمات مدیریتی و استفاده بهینه از منابع تأثیر می‌گذارند. انعطاف‌پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه و توانایی مدیریت از جمله عواملی هستند که می‌توانند نقشی کلیدی در تعیین موفقیت یا ناکامی شرکتها ایفا کنند. این مقاله به بررسی تأثیر انعطاف‌پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه و توانایی مدیریت بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. برای این منظور، داده‌های مالی ۱۰۰ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل‌های آماری پیشرفته نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی و توانایی مدیریت نقش اساسی در بهبود عملکرد مالی شرکتها دارند و تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد آنها می‌گذارند. این عوامل موجب بهینه‌سازی استفاده از منابع مالی و افزایش کارایی عملیاتی می‌شوند. از سوی دیگر، رفتار فرصت طلبانه مدیران به عنوان یک عامل منفی شناسایی شده است که می‌تواند به کاهش بهره‌وری و بروز مشکلات مالی منجر شود. این نوع رفتارها معمولاً منجر به تصمیم‌گیری‌های ناپایدار و خسارت‌زا می‌شود که در نهایت بر عملکرد مالی شرکتها تأثیر منفی می‌گذارد. پژوهش حاضر با ارائه شواهدی از تأثیرات این سه عامل بر عملکرد مالی، می‌تواند به مدیران و سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیمات بهینه کمک کند. یافته‌های تحقیق علاوه بر فراهم کردن درک بهتری از روابط بین این عوامل و عملکرد مالی شرکتها، پیشنهادهای عملیاتی برای مدیریت مؤثرتر منابع مالی و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه ارائه می‌دهد که می‌تواند به سودآوری و رشد پایدار شرکتها منجر شود. کلمات کلیدی: انعطاف‌پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه، توانایی مدیریت، عملکرد شرکتها، بورس اوراق بهادار.

## ۱- مقدمه

عملکرد مالی شرکت‌ها به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی موفقیت در بازارهای مالی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. این مقاله به تحلیل تأثیر سه عامل کلیدی شامل؛ انعطاف‌پذیری مالی، رفتار فرصت‌طلبانه و توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت‌ها می‌پردازد. انعطاف‌پذیری مالی به توانایی شرکت‌ها در مدیریت منابع مالی و تأمین مالی در شرایط مختلف اقتصادی اشاره دارد. رفتار فرصت‌طلبانه به تصمیمات مدیریتی که به نفع منافع شخصی مدیران به جای منافع بلندمدت شرکت اتخاذ می‌شود، و توانایی مدیریت به مهارت‌ها و قابلیت‌های مدیران در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و اجرایی اشاره دارد.

هدف اصلی گزارشگری صورت‌های مالی ارائه اطلاعات سالانه شرکت‌ها به هر دو سهامداران داخلی و خارجی به شیوه‌ای قابل اعتماد و به موقع است. با این حال، مدیران فرصتی برای ارائه سود شرکت به شیوه‌ای متناسب در جهت منافع شرکت و منافع خود دارند. مدیران شرکت‌ها می‌توانند از طریق دستکاری ارقام تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی، سود را مدیریت کنند. بنابراین اهمیت سود حسابداری برای سرمایه‌گذاران باعث شده مدیران توجه خاصی به مبلغ و نحوه محاسبه آن داشته و سعی کنند تا وضعیت خود را مطلوب نشان داده و سود را دستکاری کنند. بنابراین مدیران قادرند تا از اختیاراتی که در استفاده از رویه‌های حسابداری دارند، بهره‌برده و رویه‌هایی را بکار بگیرند که باعث افزایش منافع خود می‌شود. بر این اساس، به نظر می‌رسد ضعف بازار سرمایه، شرکت‌ها را برای حفظ انعطاف‌پذیری و در نتیجه آمادگی برای استفاده از فرصت‌های سودآور فراهم می‌کند.

لذا کاهش سطح انعطاف‌پذیری حسابداری شرکت‌ها، رفتارهای مدیریت سود آنها را محدودتر می‌کند و آنها را به سوی نقطه شکست زنجیره سود هدایت می‌کند. لذا مدیران ترجیح می‌دهند تا از ارقام تعهدی به جای مدیریت سود واقعی برای نشان دادن انعطاف‌پذیری مالی استفاده کنند (برادران حسن زاده و فیضی، ۱۳۹۸).

در محیط اقتصادی پرتلاطم امروز، توانایی شرکت‌ها در مدیریت منابع مالی و استفاده از فرصت‌های موجود برای بهبود عملکرد بسیار حیاتی است. انعطاف‌پذیری مالی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا در مواجهه با تغییرات ناگهانی و عدم قطعیت‌های اقتصادی به سرعت واکنش نشان دهند. از سوی دیگر، رفتار فرصت‌طلبانه مدیران که به دنبال منافع شخصی و کوتاه‌مدت هستند، می‌تواند به عملکرد کلی شرکت آسیب برساند. توانایی مدیریت نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و اجرای کارآمد برنامه‌ها شناخته می‌شود. این مقاله به بررسی تأثیر این سه عامل بر عملکرد شرکت‌ها می‌پردازد و به تحلیل رابطه آن‌ها با استفاده از داده‌های آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ می‌پردازد.

## ۲- مبانی نظری

انعطاف‌پذیری مالی یکی از مفاهیم اصلی در تئوری مالی است که به توانایی یک شرکت برای تغییر ساختار مالی خود به منظور پاسخ به شرایط نامساعد اقتصادی یا بهره‌برداری از فرصت‌های مطلوب اشاره دارد. طبق تحقیقات انجام‌شده، شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری مالی بیشتری دارند، بهتر می‌توانند در برابر شوک‌های اقتصادی مقاومت کنند و فرصت‌های رشد را به‌طور مؤثری به کار

تصمیم‌گیری‌های استراتژیک بهتری بوده و می‌توانند منابع شرکت را به صورت بهینه تخصیص دهند (فلامرو لانول<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱؛ نژادملایری و راستنبلوم<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲). توانایی مدیریت به‌ویژه در شرایط بحرانی اهمیت پیدا می‌کند، جایی که مدیران باید تصمیماتی بگیرند که نه تنها شرکت را از بحران خارج کند، بلکه منجر به بهبود عملکرد و رشد آینده نیز شود. این توانایی شامل؛ درک صحیح از بازار، تحلیل داده‌ها، پیش‌بینی تغییرات اقتصادی و برنامه‌ریزی برای آینده است. بر اساس تحقیقات مختلف، مدیرانی که دارای توانایی بالاتری در مدیریت هستند، معمولاً شرکت‌های موفق‌تری را هدایت می‌کنند و این امر در عملکرد مالی و عملیاتی آن‌ها مشهود است (رشیدی، ۱۳۹۹).

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که انعطاف‌پذیری مالی، رفتار فرصت‌طلبانه و توانایی مدیریت هر یک به‌طور مستقیم و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار هستند. با این حال، تأثیر این عوامل به صورت ترکیبی و تعاملی نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، یک شرکت ممکن است دارای انعطاف‌پذیری مالی بالا و توانایی مدیریت قوی باشد، اما اگر رفتار فرصت‌طلبانه در میان مدیران وجود داشته باشد، این عوامل مثبت نیز ممکن است به تنهایی نتوانند عملکرد شرکت را بهبود بخشند (ملکیان، قربانی، و نبویان، ۱۴۰۲). بنابراین، برای دستیابی به عملکرد بهینه، شرکت‌ها باید به‌طور همزمان به بهبود انعطاف‌پذیری مالی، کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه و ارتقای توانایی‌های مدیریتی بپردازند.

طبق تئوری‌های مالی، انعطاف‌پذیری مالی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که در شرایط عدم قطعیت اقتصادی و نوسانات بازار به سرعت واکنش نشان دهند و از فرصت‌های سرمایه‌گذاری به‌طور بهینه بهره‌برداری کنند. تئوری‌های مربوط به انعطاف‌پذیری مالی بر این نکته تأکید دارند که شرکت‌هایی که دارای نقدینگی کافی و بدهی کمتر هستند، می‌توانند در مواقع بحرانی با کاهش

گیرند (اومرا و راشد، ۲۰۲۳؛ بیک<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳). این شرکت‌ها معمولاً دارای بدهی کمتری هستند و نقدینگی بیشتری در اختیار دارند که این ویژگی‌ها به آن‌ها اجازه می‌دهد تا در شرایط بحرانی بدون نیاز به تأمین مالی اضافی به فعالیت خود ادامه دهند (سیوان<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). همچنین، انعطاف‌پذیری مالی به شرکت‌ها امکان می‌دهد تا در مواقعی که شرایط بازار تغییر می‌کند، استراتژی‌های مالی خود را به سرعت تعدیل کنند (کریمی و ناصری نسب، ۱۴۰۱؛ قلی‌پور، جعفرپور، و صارمی نیا، ۱۴۰۰؛ کاظمی، راسک، گومز، یلدیز و لارسن<sup>۴</sup>، ۲۰۲۳). تحقیقات اخیر نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای انعطاف‌پذیری مالی بهتر می‌توانند از فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهره‌برداری کرده و استراتژی‌های رشد را بهینه‌سازی کنند (باتاچریا، جانسون، فرامرزی، جیندال و جانسون<sup>۵</sup>، ۲۰۲۴).

در مقابل، رفتار فرصت‌طلبانه مدیران، که معمولاً به تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و منافع شخصی مدیران مرتبط است، می‌تواند به‌طور جدی به عملکرد مالی شرکت‌ها آسیب برساند. این رفتارها می‌توانند شامل تصمیماتی باشند که به جای تمرکز بر منافع بلندمدت شرکت، منافع کوتاه‌مدت مدیران را تأمین می‌کنند (آوکسیون، آتیکو، و اوینیهازی<sup>۶</sup>، ۲۰۲۴). برای مثال، مدیرانی که به دنبال ارتقای پاداش‌های خود هستند، ممکن است تصمیم به گزارش‌دهی مالی غیرواقعی یا اتخاذ استراتژی‌های پرخطر بگیرند که در بلندمدت به کاهش ارزش سهام و اعتماد سرمایه‌گذاران منجر می‌شود. این نوع رفتارها اغلب به‌عنوان یک مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران مطرح می‌شود و می‌تواند تأثیر منفی قابل توجهی بر عملکرد شرکت‌ها داشته باشد (لطیفی، بهرامی و نظری، ۱۴۰۱؛ دهقانی اشکذری و محمدی مقدم، ۱۴۰۳). توانایی مدیریت به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت یا شکست شرکت‌ها مطرح است. مدیرانی که دارای توانایی مدیریتی بالاتری هستند، قادر به

1- Omara, & Rashed

2- Beck

3- Seoane

4- Kazemi, Rask, Gomes, Yildiz, & Larsen

5- Bhattacharya, Johnson, Faramarzi, Jindal, & Johnson

6- Avickson, Attieku, & Onyenahazi

7- Flammer, & Ioannou

8- Nejadmalayeri, & Rosenblum

است (مارتینز، ناوارو، و گراسیا پیرز، ۲۰۲۴)

در نتیجه، مبانی نظری تحقیق بر اساس تئوری‌های انعطاف‌پذیری مالی، نمایندگی و منابع و قابلیت‌ها بنا شده است که هر یک از این تئوری‌ها به تأثیرات خاصی بر عملکرد شرکت‌ها اشاره دارند. این مبانی نظری پایه‌گذار فرضیه‌های تحقیق هستند که در ادامه به تفصیل مورد آزمون قرار می‌گیرند.

### فرضیه‌ها

فرضیه ۱: انعطاف‌پذیری مالی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد.

فرضیه ۲: رفتار فرصت‌طلبانه تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد.

فرضیه ۳: توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد.

که با استفاده از رگرسیون چند متغیره زیر محاسبه می‌شود:

$$Y = \beta_0 + \beta_1 * X_1 + \beta_2 * X_2 + \beta_3 * X_3 + \epsilon$$

که در آن:

Y: عملکرد شرکت‌ها

X<sub>1</sub>: انعطاف‌پذیری مالی

X<sub>2</sub>: رفتار فرصت‌طلبانه

X<sub>3</sub>: توانایی مدیریت

$\beta_0$ : عرض از مبدأ یا مقدار ثابت مدل (نشان‌دهنده

عملکرد شرکت‌ها در صورت عدم تأثیر متغیرهای مستقل)

$\beta_1$ : ضریب تأثیر انعطاف‌پذیری مالی بر عملکرد شرکت‌ها

(انتظار داریم  $\beta_1 > 0$ )

$\beta_2$ : ضریب تأثیر رفتار فرصت‌طلبانه بر عملکرد شرکت‌ها

(انتظار داریم  $\beta_2 < 0$ )

$\beta_3$ : ضریب تأثیر توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت‌ها

(انتظار داریم  $\beta_3 > 0$ )

$\epsilon$ : خطای تصادفی

اثر مثبت انعطاف‌پذیری مالی: اگر  $\beta_1$  مثبت باشد،

هزینه‌های مالی و بهره‌برداری از شرایط بازار، عملکرد بهتری را ارائه دهند (بهرامی و همکاران، ۱۴۰۱).

در تئوری نمایندگی، رفتار فرصت‌طلبانه مدیران به عنوان یکی از مشکلات اصلی در روابط نمایندگی بین مدیران و سهامداران مطرح می‌شود. طبق این تئوری، مدیران ممکن است به دنبال منافع شخصی خود باشند و تصمیماتی اتخاذ کنند که با منافع بلندمدت سهامداران در تضاد باشد (فردود و برادران، ۲۰۲۱). برای کاهش این تضاد منافع، شرکت‌ها نیاز به ایجاد ساختارهای حاکمیتی مناسب دارند که بتواند رفتارهای فرصت‌طلبانه را محدود کند و هم‌راستایی بین منافع مدیران و سهامداران ایجاد نماید (محمدپور و کیاکجوری، ۱۴۰۰).

توانایی مدیریت نیز در چارچوب تئوری منابع و قابلیت‌ها (RBV) بررسی می‌شود. طبق این تئوری، توانایی مدیریت به عنوان یک منبع استراتژیک می‌تواند مزیت رقابتی پایدار برای شرکت ایجاد کند. مدیرانی که دارای توانایی بالاتری در تحلیل و اجرای استراتژی‌های پیچیده هستند، می‌توانند به طور مؤثری منابع شرکت را تخصیص دهند و به بهره‌برداری از فرصت‌های بازار بپردازند (سنیف، شیخ و سانا، ۲۰۲۴). همچنین، توانایی مدیریت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مدیریت ریسک و کاهش هزینه‌های نمایندگی نیز تأثیرگذار است (خلجی مقدم، حسان، امیری، و شیرزاده، ۲۰۱۸).

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که مهارت‌های مدیریتی علاوه بر بهینه‌سازی تخصیص منابع، می‌تواند به بهبود عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌ها کمک کند (مارشال، آگونیس و بلتران، ۲۰۲۴). همچنین، مدیرانی که توانایی به‌کارگیری فناوری‌های نوین را دارند، می‌توانند در محیط‌های پرچالش بهتر عمل کنند و از فرصت‌های موجود بهره‌برداری نمایند (چونگ، جنیفر، یانگ، لیانگ، یاپ و سنگه، ۲۰۲۳). در نهایت، تأثیر توانایی مدیریت در تعیین استراتژی‌های پایدار و انطباق با تغییرات محیطی نیز به وضوح در پژوهش‌های اخیر مورد تأکید قرار گرفته

1- Fardoud, & Baradaran

2- Senfi, Sheikh, & Sana

3- Khaleghi Moghaddam, Hassas Yeganeh, Amiri, & Shirehzadeh

4- Marshall, Aguiñi, & Beltran

5- Chong, Jennifer, Jong, Ling, Yap, & Seng

6- Martínez-Martínez, Navarro, & García-Perez

جدول (۱): تحلیل رگرسیون انعطاف پذیری مالی			
مقدار P	سطح معناداری	ضریب	متغیر مستقل
۰٫۰۰۰۲	۰٫۰۱	۰٫۲۸	انعطاف پذیری مالی
۰٫۰۰۱۵	۰٫۰۳	-۰٫۲۲	رفتار فرصت طلبانه
۰٫۰۰۰۱	۰٫۰۱	۰٫۳۵	توانایی مدیریت

نشان دهنده این است که با افزایش انعطاف پذیری مالی، عملکرد شرکت‌ها بهبود می‌یابد. اثر منفی رفتار فرصت طلبانه: اگر  $\beta 2$  منفی باشد، بیانگر این است که رفتار فرصت طلبانه موجب کاهش عملکرد شرکت‌ها می‌شود. اثر مثبت توانایی مدیریت: اگر  $\beta 3$  مثبت باشد، افزایش توانایی مدیریت باعث افزایش عملکرد شرکت‌ها خواهد شد.

### ۳- روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ می‌باشد. داده‌های مالی از گزارش‌های مالی سالیانه این شرکت‌ها استخراج شده و با استفاده از نرم افزارهای آماری مانند اس.پی.اس.اس. و ای.ویوز. تجزیه و تحلیل گردیده است. برای ارزیابی تأثیر انعطاف پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه و توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت‌ها از مدل رگرسیونی چندگانه استفاده شده است. در این مدل، متغیر وابسته عملکرد شرکت و متغیرهای مستقل شامل انعطاف پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه و توانایی مدیریت می‌باشند.

### ۴- یافته‌های تحقیق

تحلیل‌های آماری انجام شده با استفاده از داده‌های مالی ۱۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱، نتایج قابل توجهی را در مورد تأثیر سه عامل اصلی شامل انعطاف پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه و توانایی مدیریت بر عملکرد مالی شرکت‌ها به دست داده است. برای بررسی تأثیرات این عوامل، از روش‌های رگرسیونی چندگانه استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره (۱) آمده است.

۱. تأثیر انعطاف پذیری مالی بر عملکرد شرکت‌ها: نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که انعطاف پذیری مالی با ضریب ۰٫۲۸ و مقدار P برابر با ۰٫۰۰۰۲ به طور معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد. این به این معنی است که شرکت‌هایی که دارای انعطاف پذیری مالی بالاتری هستند، قادرند به طور مؤثرتری به تغییرات اقتصادی و نوسانات بازار پاسخ دهند. انعطاف پذیری مالی به این شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که در مواقع بحران و شرایط نامساعد اقتصادی، با استفاده از منابع مالی خود به طور بهینه عمل کنند و به طور سریع واکنش نشان دهند. این توانایی موجب کاهش ریسک‌های مالی و بهبود عملکرد کلی شرکت‌ها می‌شود. با توجه به این نتایج، شرکت‌ها باید استراتژی‌های مالی انعطاف پذیری را توسعه دهند و ساختار مالی خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که بتوانند در شرایط مختلف اقتصادی به خوبی عمل کنند.

۲. تأثیر رفتار فرصت طلبانه بر عملکرد شرکت‌ها: در مورد رفتار فرصت طلبانه، تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که این عامل با ضریب -۰٫۲۲ و مقدار P برابر با ۰٫۰۰۱۵ تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مدیرانی که به دنبال منافع کوتاه مدت و شخصی هستند، ممکن است تصمیمات مدیریتی اتخاذ کنند که به ضرر منافع بلندمدت شرکت‌ها باشد. رفتار فرصت طلبانه مدیران می‌تواند منجر به اتخاذ استراتژی‌های پرخطر و گزارش‌دهی مالی غیرواقعی شود که در نهایت به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و آسیب به عملکرد کلی شرکت‌ها منجر می‌شود. این نتایج تأکید می‌کنند که شرکت‌ها باید مکانیزم‌های کنترلی و نظارتی مؤثری برای محدود کردن رفتارهای فرصت طلبانه مدیران خود ایجاد کنند و فرهنگ سازمانی را به گونه‌ای شکل دهند که تصمیمات مدیریتی بر اساس منافع بلندمدت و پایدار

کوتاه مدت است، تأثیر منفی بر عملکرد شرکت‌ها داشته و می‌تواند به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش هزینه‌های نمایندگی منجر شود. این به این معنی است که شرکت‌هایی که قادر به مدیریت مؤثر منابع مالی خود و اتخاذ تصمیمات استراتژیک هستند، عملکرد بهتری خواهند داشت. توانایی مدیریت نیز به عنوان یک عامل حیاتی در بهبود عملکرد شرکت‌ها شناسایی شده است. مدیرانی که توانایی‌های مدیریتی بالایی دارند، می‌توانند از منابع شرکت بهینه استفاده کنند و ریسک‌ها را به خوبی مدیریت کنند. این موضوع نشان می‌دهد که ارتقاء توانایی‌های مدیریتی می‌تواند به طور مستقیم بر بهبود عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار باشد (مرفوع و حسن زاده دیوا، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، رفتار فرصت طلبانه مدیران که بیشتر به دنبال منافع شخصی و کوتاه مدت است، تأثیر منفی بر عملکرد شرکت‌ها دارد. بنابراین، برای دستیابی به عملکرد بهینه، شرکت‌ها باید به طور همزمان بر بهبود انعطاف‌پذیری مالی، کاهش رفتارهای فرصت طلبانه و ارتقای توانایی‌های مدیریتی تمرکز کنند رفتار فرصت طلبانه نیز اگرچه می‌تواند در کوتاه مدت به افزایش سودآوری منجر شود، اما باید با احتیاط بیشتری همراه باشد. مدیرانی که بیش از حد به فرصت طلبی گرایش دارند، ممکن است در بلندمدت با ریسک‌های بیشتری مواجه شوند و این موضوع می‌تواند به کاهش پایداری مالی شرکت منجر شود. بنابراین، نیاز است که رفتار فرصت طلبانه مدیران با توجه به استراتژی‌های بلندمدت شرکت‌ها مدیریت شود (کریمی، ۱۳۹۹؛ مارشال و همکاران، ۲۰۲۴)

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی، رفتار فرصت طلبانه و توانایی مدیریت، هر سه به طور معناداری بر عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذارند. شرکت‌ها می‌توانند با افزایش انعطاف‌پذیری مالی و تقویت توانایی‌های مدیریتی خود و مدیریت دقیق رفتار فرصت طلبانه، به بهبود عملکرد خود دست یابند. این نتایج می‌تواند راهنمایی برای مدیران مالی و استراتژیک شرکت‌ها باشد تا با توجه به این عوامل، تصمیمات بهینه‌تری اتخاذ کنند و ریسک‌ها را به خوبی مدیریت کنند.

باشد.

۳. تأثیر توانایی مدیریت بر عملکرد شرکت‌ها: توانایی مدیریت نیز با ضریب ۰.۳۵ و مقدار P برابر با ۰.۰۰۰۱ تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد. این نتایج نشان می‌دهند که مدیرانی که دارای توانایی‌های مدیریتی بالا هستند، قادرند تصمیمات استراتژیک بهتری اتخاذ کنند و منابع شرکت را به طور بهینه تخصیص دهند. توانایی مدیریت شامل مهارت‌های تحلیل، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آینده است که به مدیران کمک می‌کند تا به طور مؤثری بر عملکرد شرکت نظارت کنند و از فرصت‌های بازار بهره‌برداری نمایند. این امر بهبود عملکرد مالی و افزایش بهره‌وری شرکت‌ها را به دنبال دارد. بنابراین، سرمایه‌گذاری در بهبود مهارت‌های مدیریتی و آموزشی برای مدیران به عنوان یک استراتژی کلیدی برای افزایش عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شود.

## ۵- نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی و توانایی مدیریت به طور مثبت و معناداری با بهبود عملکرد شرکت‌ها مرتبط است. انعطاف‌پذیری مالی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا در مواجهه با شرایط بحرانی و عدم قطعیت‌های اقتصادی، تصمیمات بهتری بگیرند و عملکرد خود را بهبود بخشند نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری مالی به عنوان یک ابزار استراتژیک می‌تواند به شرکت‌ها در مواجهه با شرایط نامطلوب بازار کمک کند و از طریق بهبود دسترسی به منابع مالی، عملکرد شرکت‌ها را بهبود بخشد. این یافته با پژوهش‌های قبلی همخوانی دارد که نشان می‌دهند شرکت‌هایی که انعطاف‌پذیری مالی بالاتری دارند، می‌توانند در شرایط بحران بهتر عمل کنند (شوروزی و قدمیاری، ۱۴۰۳).

توانایی مدیریت نیز با تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و بهره‌برداری از فرصت‌ها می‌تواند به افزایش سودآوری و کاهش ریسک‌های مالی منجر شود. از سوی دیگر، رفتار فرصت طلبانه مدیران که اغلب مبتنی بر منافع شخصی و

## منابع:

- ۱- برادران حسن زاده، رسول،، فيضى، حميده. (۱۳۹۸). تاثير انعطاف پذيرى مالى و محدوديت در تايمين مالى بر مديريت سود، تحقيقات حسابدارى و حسابرسى، ۴۳، ۸۵-۱۰۲.
- ۲- شوروزى، زهرا، و قدمياري، نسرین. (۱۴۰۳). تاثير عملکرد پايدارى شرکت بر رفتار سرمايه گذاران با نقش انعطاف پذيرى مالى در شرکت هاى پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه چشم/انداز حسابدارى و مديريت، ۷ (۸۹)، ۱۹۲-۱۷۴.
- ۳- دهقانى اشكدرى، منصور،، محمدى مقدم، عاطفه. (۱۴۰۳). تاثير اهرم مالى بر مديريت سود واقعى با در نظر گرفتن نقش محدوديت مالى، رويکردهاى پژوهشى نوين در مديريت و حسابدارى، ۱ (۲۸)، ۱۳۲۱-۱۲۰۴.
- ۴- رشيدى، محسن. (۱۳۹۹). نقش توانايى مديران در تعديل شرايط اعتبارى و کاهش پراكنده گى بازده سهام، مديريت دارايى و تايمين مالى. ۸ (۳۰)، ۱۳۹-۱۲۳.
- ۵- كریمی، على. (۱۳۹۹). رفتار فرصت طلبانه مديران و تاثير آن بر عملکرد مالى، مجله اقتصاد و مديريت، ۱ (۱۷)، ۶۰-۴۵.
- ۶- كریمی، مجتبی،، ناصرى نسب، سارا. (۱۴۰۱). اثرات متقابل تايمين مالى و اهرم مالى بر مديريت سود واقعى، چشم/انداز حسابدارى و مديريت، ۵ (۷۵)، ۱۲-۱.
- ۷- لطيفى، سعيد،، بهرامى، محمد،، نظرى، على. (۱۴۰۱). رفتار فرصت طلبانه مديران و پيامدهاى آن بر عملکرد مالى شرکت ها، فصلنامه پژوهش هاى حسابدارى، ۴ (۳۴)، ۸۹-۱۰۵.
- ۸- قلى پور، مهدى،، جعفرپور، هومن،، صارمى نيا، مهسا. (۱۴۰۰). ارتباط كيفيت حسابرسى و مديريت سود در شرکت هاى پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابدارى و حسابرسى مديريت، ۱۰ (۴۰)، ۳۹۰-۳۷۹.
- ۹- مرفوع، محمد،، و حسن زاده ديوا، سيدمصطفى. (۱۳۹۹). مديريت شود؛ رفتارهاى فرصت طلبانه، مکانيزم نظارتى و درمانده گى مالى، پژوهش هاى حسابدارى مالى و حسابرسى، ۱۲ (۴۸)، ۷۰-۴۳.
- ۱۰- محمدپور، زهرا،، كياكجورى، داود. (۱۴۰۰). بررسى تاثير تئوريرفتار برنامه ريزى شده و رفتار فرصت طلبانه بر كاهش حسابگرانه كاركنان، پژوهش هاى مالى و رفتارى در حسابدارى، ۳ (۳)، ۱۳۶-۱۱۵.
- ۱۱- ملكيان، اسفنديار،، قربانى، مريم،، و نبويان، سيدمرتضى. (۱۴۰۲). شوک نقدينگى، انعطاف پذيرى مالى و سرعت تعديل سود تقسيمى سهام در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش هاى حسابدارى مالى و حسابرسى، ۱۵ (۵۸)، ۶۶-۳۹.

- 12-Avickson, E. K., Attieku, J. S., & Onyenahazi, O. B. (2024). Economic impacts of federal reserve policies on taxation and corporate finance.
- 13-Beck, T. (2023). Access to finance: adaptability and resilience during a global pandemic. *Accounting and Business Research*, 53(5), 565-579.
- 14-Bhattacharya, A., Johnson, J., Faramarzi, A., Jindal, N., & Johnson, R. W. (2024). Marketing capability and the turnaround of financially distressed firms. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 52(4), 1195-1215.
- 15-Chong, C., Jennifer, L. Y., Jong, J., Ling, L., Yap, Y., & Seng, C. (2023). Board Capital and Firm Performance. In *MATEC Web of Conferences* (Vol. 377, p. 02005). EDP Sciences.
- 16-Fardoud, V. T., & Baradaran, R. (2021). The Ability of Firm Life Cycle Patterns in Explaining Financial Flexibility (Based on the Adjusted Financial Flexibility Index). *Journal of Financial Management Perspective*, (32), 159-188.
- 17-Flammer, C., & Ioannou, I. (2021). Strategic management during the financial crisis: How firms adjust their strategic investments in response to credit market disruptions. *Strategic Management Journal*, 42(7), 1275-1298.
- 18-Kazemi, Z., Rask, J. K., Gomes, C., Yildiz, E., & Larsen, P. G. (2023). Movable factory—A systematic literature review of concepts, requirements, applications, and gaps. *Journal of Manufacturing Systems*, 69, 189-207.
- 19-Khaleghi Moghaddam, H., Hassas Yeganeh, Y., Amiri, M., & Shirehzadeh, J. (2018). A model for financial flexibility of accepted companies in Tehran Stock Exchange. *Financial Management Strategy*, 5(4), 45-67.
- 20-Marshall, J. D., Aguinis, H., & Beltran, J. R. (2024). Theories of performance: A review and integration. *Academy of Management Annals*, (ja), annals-2022.
- 21-Martínez-Martínez, A., Navarro, J. G. C., & Garcia-Perez, A. (Eds.). (2024). *Knowledge Management, Organisational Learning and Sustainability in Tourism*. Routledge.
- 22-Nejadmalayeri, A., & Rosenblum, A. (2022). Distressed acquirers and the bright side of financial distress. *International Review of Financial Analysis*, 83, 102303.
- 23-Omara, M. R., & Rashed, A. (2023). Financial flexibility and investment efficiency: The moderating role of board financial expertise. *Investment Management and Financial Innovations*, 20(4), 283-296.
- 24-Senfi, S., Sheikh, R., & Sana, S. S. (2024). A portfolio selection using the intuitionistic fuzzy analytic hierarchy process: A case study of the Tehran Stock Exchange. *Green Finance*, 6(2), 219-248.
- 25-Seoane, H. D. (2022). Asia's corporate debt: assessing its role in financial vulnerability. In *The Sustainability of Asia's Debt* (pp. 188-213). Edward Elgar Publishing.

©Authors, Published by Journal of Intelligent Knowledge Exploration and Processing. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

